

زن در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات فارسی: بررسی پیکره - بنیاد عامل انسجام از دیدگاه تحلیل گفتمان^۱

آسیه ایمانی*

کیوان زاهدی**

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی عوامل پیوستگی و همبستگی و نوع گفتمان در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مربوط به زنان و ارائه تحلیل از نوع انسجام در آن‌هاست. چهارچوب نظری تحلیل رویکرد نقش‌گرایانه هلیدی - متیسن و قالب آن فرانش متنی می‌باشد. پیکره مورد بررسی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات در کتاب کوچ (شاملو، ۱۳۸۱) است. روش پژوهش دارای مؤلفه‌های کیفی و نیز رویکرد کمی است. مؤلفه‌های کیفی برگرفته از تحلیل گفتمان انسجامی و رویکرد کمی تحلیل آماری این پیکره بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد: ۱. هر دو عامل پیوستگی دستوری و واژگانی در کتاب کوچ به کار گرفته می‌شوند ولی توزیع آن‌ها متفاوت است؛ ۲. در ۱۷/۹۳٪ از کتاب کوچ پیوستگی صفر و عامل ایجاد انسجام کارکردی و مربوط به عامل همبستگی است؛ ۳. ضریب همبستگی میان تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه‌ها معنادار و گفتمان در این فرهنگ بیش‌تر همبسته و از نوع «گفتمان کمینه» می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، پیوستگی و همبستگی، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات، زن.

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) asiye@himani@gmail.com

** دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۶

۱. مقدمه

گفتمان اصطلاحی است که امروزه به شکل گسترده‌ای هم در عرصه‌های علمی و هم غیر علمی گسترش یافته است و در معانی و کاربردهای مختلفی به کار گرفته می‌شود. یافتن گستره معنایی واژه گفتمان بسیار مشکل است اما لازم است، قبل از شروع مباحث اصلی، در باب متن، متنیت (texture)، گفتمان، تحلیل گفتمان و انسجام^۱، که شامل «پیوستگی و همبستگی» (cohesion & coherence) است، توضیحات و تعاریف مختصری ارائه شود. متن از نظر هلیدی - متین (Halliday-Matthiessen, 2004: 524) این گونه تعریف شده است: «متن چیزی است که به صورت گفتار، نوشتار، شنیدار یا خوانش پدید می‌آید. تحلیل متن، در واقع، تحلیل محصول این فرایند است و اصطلاح "متن" مخصوصاً به صورت نوشتاری این محصول اشاره دارد، چون صورت نوشتاری مانند شیئی است که حالت ملموس‌تری دارد». در هر متن، عوامل مختلفی باعث ایجاد پیوند و متنیت آن می‌شود؛ از جمله آن‌ها، عوامل ایجاد انسجام‌اند که خود در متون مختلف به صورت‌هایی متفاوت بروز می‌کنند و منجر به ایجاد ساختارها و گفتمان‌های مختلفی می‌شوند.

واژه «گفتمان» (discourse) در فرهنگ آکسفورد دارای معانی زیر است: ۱. گفت‌وگو، به ویژه گفت‌وگوی رسمی، در باب چیزی که اطلاعات طرفین گفت‌وگو راجع به آن زیاد است؛ ۲. استفاده از زبان در گفتار و نوشتار برای تولید معنا (The Oxford Advanced Learner's Dictionary, 2001: 357-358).

اولین بار زلیگ هریس (Zellig Harris) واژه گفتمان را در زبان‌شناسی به کار گرفت. وی این واژه را برای تحلیل سطوح بالاتر از جمله (پاراگراف، مقاله، مصاحبه و ...) استفاده کرد و این سطوح را «گفتمان» نامید. بنابراین در ابتدا تمرکز بر روی «زبان کاربردی» (language-in-use)، رابطه زبان با بافت، و روابط انسجام درون یک متن بود. پس از او سایر نظریه‌پردازان تمایل دارند بدانند واژه گفتمان در چه بافتی به کار رفته است و، به تبع آن، چه معنایی به خود گرفته است و سعی در جدا کردن مرزهای معنای گفتمان دارند. یورگنسن و فیلیپس (۱۳۸۹: ۱۷) می‌گویند: «در بسیاری از موارد، منظور از گفتمان این است که زبان در چهارچوب قالب‌هایی ساختاربندی شده است و مردم، به هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی، در گفتار خود، از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند و تحلیل گفتمان تحلیل این قالب‌هاست».

در این میان، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات به‌مثابه یکی از انواع متون فرهنگ - بنیاد، که دارای ارزش جامعه‌شناختی - زبان‌شناختی است، ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از سایر متون و گفتمان‌ها متمایز می‌کنند. بنابراین، با توجه به اهمیت و کاربرد ضرب‌المثل‌ها و این‌که تاکنون کسی به مقوله انسجام در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مربوط به زنان در کتاب کوچه (شاملو، ۱۳۸۱) نپرداخته است، انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. در این مقال، نگارندگان در نظر دارند، با تکیه بر فرانش متنی (textual metafunction) مورد نظر هلیدی - متیسن و در چهارچوب تحلیل گفتمان، عوامل مختلف انسجام را در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات کتاب کوچه بازشناخته و به معرفی «گفتمان کمینه» (minimal discourse) بپردازند. این پژوهش پیکره - بنیاد و دارای ماهیت توصیفی - تحلیلی است و با بهره‌گیری از مولفه‌های کیفی - کمی انجام می‌شود. مسئله نگارندگان بازنمایی شیوه بروز نگرش‌ها به زن در قالب ضرب‌المثل‌های کتاب کوچه است و این‌که گفتمان در این فرهنگ به‌عنوان یکی از رایج‌ترین و عامیانه‌ترین فرهنگ‌های فارسی چه تفاوتی با سایر گفتمان‌ها دارد و چه عواملی باعث ایجاد انسجام و درک آن‌ها توسط گویشوران فارسی‌زبان می‌شود.

این پژوهش بر اساس پرسش‌های زیر شکل گرفته است:

۱. انسجام در گفتمان کتاب کوچه چگونه است و توزیع عوامل مختلف انسجامی در آن به چه صورتی است؟
۲. چه رابطه‌ای بین تعداد عوامل انسجامی (پیوستگی و همبستگی) و تعداد واژه‌های موجود در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات این فرهنگ وجود دارد؟
۳. چنین توزیعی چه پیامدی برای نوع گفتمان ضرب‌المثلی دارد و چگونه آن را از سایر گفتمان‌ها متمایز می‌کند؟

محدودیت‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. در شمارش واژه‌ها، هر یک از ضمایر، واژه‌بست‌ها و مقوله‌های اصلی زبانی (اسم، فعل، صفت و ...) واژه مجزا محسوب شده‌اند؛ ۲. القاب واژه مجزا محسوب نشده‌اند بلکه ترکیب القاب و اسمی که به همراه آن‌ها می‌آید به صورت واژه‌ای واحد در نظر گرفته شده است؛ ۳. کلمات مرکب و آن دسته از گروه‌هایی که با هم یک مقوله مستقل زبانی (فعل، اسم، صفت و ...) را تشکیل می‌دهند واژه مجزا محسوب شده‌اند؛ ۴. «که» دستوری (پیوندگر جمله‌واره‌ای = clausal linker) تنها یک ابزار پیوستگی دستوری، که در سطح جمله‌واره عمل می‌کند، تعریف شده است و از آن‌جا که در زبان‌شناسی و در هر چهارچوب نظری دیگری نباید صورت و معنا خلط شوند و «که» در

فارسی اساساً دارای نقش‌های کارکردی - نحوی است، در این پژوهش، به عنوان ابزاری پیوندی - نقشی در نظر گرفته شده و هر یک از انواع آن بر اساس معانی مختلفش بررسی شده است. اما از آنجا که کارکردهای گفتمانی این پیوندگر و نقش‌های مختلف آن تاکنون به صورت جداگانه بررسی نشده است، این امر نیاز به انجام پژوهش مستقل دیگری دارد و در این مقاله نمی‌گنجد.

۲. پیشینه

۱.۲ مطالعات تحلیل گفتمان و انسجام

تاکنون پژوهش‌های مختلفی درباره تحلیل گفتمان، انسجام، و ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات انجام شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌ها در باب انسجام می‌توان به هلیدی و حسن (Halliday & Hasan, 1976) اشاره کرد که پیوستگی و عوامل آن را در انگلیسی بررسی کرده‌اند. آن‌ها ابزارهای انسجامی را به پنج دسته اصلی شامل: ارجاع (reference)، جانشینی (substitution)، حذف (ellipsis)، پیوندی (conjunction)، و عناصر واژگانی (lexical items) تقسیم می‌کنند؛ که هر یک از این پنج دسته خود دارای انواع و زیرشاخه‌هایی است. یانگ و فیتزجرالد (Young & Fitzgerald, 2006) زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌وار^۳ را با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ترکیب می‌کنند و به بررسی رخدادهای گفتمانی مختلف در زندگی روزمره می‌پردازند. دونتچوا - ناوراتیلوا و پوولنا (Dontcheva-Navratilova & Povolna, 2009) پیوستگی و همبستگی را در گفتمان گفتاری و نوشتاری انگلیسی بررسی کرده‌اند و بر این دو عامل به عنوان بخش‌های سازنده ارتباط بشری تمرکز می‌کنند. برزلانویچ (Berzlanovich, 2008) با تمرکز بر پیوستگی واژگانی و سازمان‌دهی گفتمان معتقد است که، هم برای تحلیل همبستگی و هم پیوستگی واژگانی، واحدهای اولیه گفتمان جمله‌واره‌ها هستند. یازا (Jasa, 2009) با ترکیب دو چهارچوب دولی - لوینسون (Dooley & Levinson, 2001) و هلیدی - حسن به بررسی سه مقوله پیوستگی از طریق یکسانی، رابطه واژگانی و عوامل پیوندی و توزیع آن‌ها در سه داستان عامیانه لاهوسی (Lahu Si) یکی از گونه‌های زبان تایلندی می‌پردازد و ویدوسون (Widdowson, 1978: 26-31) بین پیوستگی و همبستگی تمایز قائل می‌شود و می‌گوید: «همبستگی رابطه میان کارگفت‌های منظوری (speech acts)

میان گزاره‌ها است» در صورتی که وی پیوستگی را پیوندهای بارز میان گزاره‌ها می‌داند. به همین دلیل، از نظر او، همبستگی وقتی ایجاد می‌شود که میان گزاره‌ها رابطه کارکردی برقرار باشد و پیوستگی ممکن است برای همبستگی لازم باشد ولی همبستگی الزاماً وابسته به پیوستگی نیست و متن ممکن است بدون داشتن پیوستگی همبسته باشد.

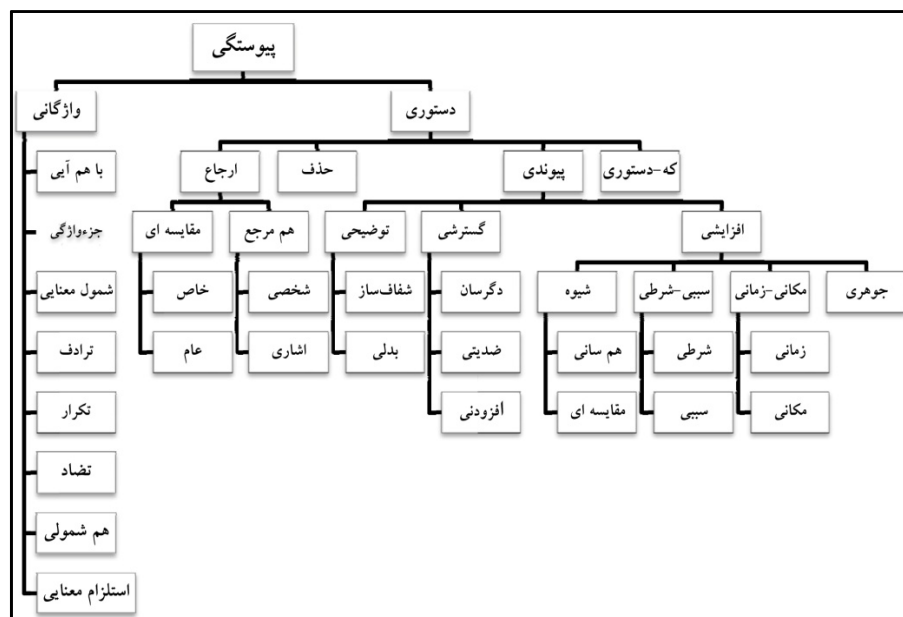
سایر پژوهش‌ها را، در این زمینه، کرل (Carrell, 1982)، یه (Yeh, 2004)، تابوآدا (Taboada, 2004)، کونتتو (Contento, 2000) و براون و یول (Brown & Yule, 1983) انجام داده‌اند. در میان ایرانیان نیز، نصیری خوانساری (۱۳۸۸) به تحلیل گفتمان و انسجام در قرآن کریم پرداخته و تاجیک (۱۳۷۷) متن و تحلیل گفتمان را بررسی کرده است.

در باب ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات نیز، پژوهش‌های زیادی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. مفهوم ضرب‌المثل در نزد عامه مردم عبارتی کوتاه است که پندی حکیمانه در معنای آن نهفته باشد. جامع‌ترین تعریف ضرب‌المثل به نقل از برزن (۱۳۸۵: ۶) در فرهنگ آکسفورد (1978: 8/ 52)، چنین آمده است: «ضرب‌المثل سخنی مختصر، متداول و حکیمانه، اغلب استعاری یا به شکل تجانس آوایی (alliteration) است که حقیقتی را بیان می‌کند که از راه تجربه یا مشاهده ثابت و برای همگان شناخته شده است». ناهید شاملو (۱۳۸۷) به بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در *امثال و حکم*، آریان‌فر (۱۳۸۵) به طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های فارسی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی و سونو (۱۳۸۴) به مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و تایلندی می‌پردازند.

۲.۲ چهارچوب نظری

چهارچوب تحلیل پژوهش حاضر زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌وار و الگوی هلیدی - متیسن (2004) در باب فرانش متن و انسجام است که نسبت به سایر الگوهای بررسی انسجام، از جمله الگوی هلیدی - حسن، جدیدتر است و، ضمن داشتن اشتراکات زیاد با الگوی ذکرشده و دربر داشتن مفاهیم اساسی انسجام مورد نظر آن الگو، آن را مورد بازنگری نیز قرار می‌دهد. منظور از فرانش متن در الگوی هلیدی - متیسن، بررسی زبان و، به طور خاص، جمله‌واره از دیدگاه ساخت پیام است (Halliday-Matthiessen, 2004: 529). از دیدگاه دستور نقش‌گرای نظام‌وار، این فرانش به دو بخش ساختاری و غیر ساختاری تقسیم می‌گردد. بخش اول ساخت‌های مبتدایی و اطلاعی را بررسی می‌کند و بخش دوم به مطالعه متن از نظر انسجام (پیوستگی - همبستگی) می‌پردازد (Halliday-Hasan, 1976: 30). در هر

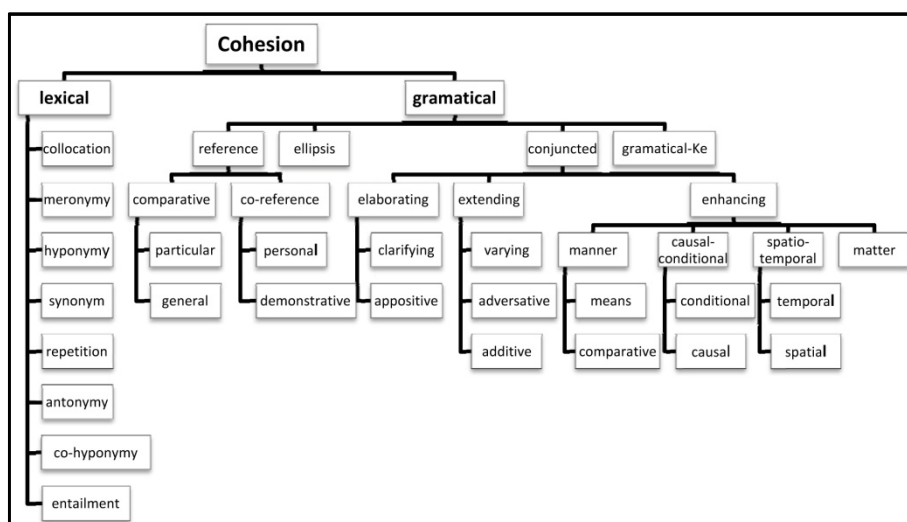
متن مجموعه‌ای از سامانه‌های دستوری - واژگانی وجود دارد که، به طور خاص، به عنوان منبعی برای فراتر بردن مرزهای یک جمله‌واره، حیطة بالاترین سطح واحد دستوری، فراگشت یافته‌اند. این سامانه‌های دستوری - واژگانی از فرانش متنی نشئت می‌گیرند و روی هم‌رفته به عنوان سامانه انسجام شناخته می‌شوند (Halliday-Matthiessen, 2004: 530). انسجام خود متشکل از دو بخش پیوستگی و همبستگی است. پیوستگی، به‌مثابه یکی از عوامل متنیت، مفهومی است واژگانی - دستوری (lexico-grammatical) که به صورت یک طیف به روابط معنایی و دستوری موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان متن از غیر متن مشخص می‌سازد (ibid: 532-533). در نمودار ۱ انسجام و نحوه تقسیم‌بندی انواع آن بر اساس الگوی هلیدی - متیسن نمایش داده شده است که مفاهیم و اصطلاحات موجود در این نمودار معادل و ترجمه فارسی مفاهیم و زیرشاخه‌های موجود در این الگو می‌باشند؛ و، برای درک بهتر این مفاهیم، معادل انگلیسی آن‌ها در نمودار ۲ و هم‌چنین نمودار ۴ در بخش ضمیمه ذکر شده است.



نمودار ۱. پیوستگی و انواع آن

گفتنی است که نگارندگان، به دلیل اهمیت و فراوانی بالای عوامل هم‌شمولی، تضاد، و استلزام معنایی، این سه عامل را به تقسیم‌بندی عوامل واژگانی و «که»

دستوری را به تقسیم‌بندی عوامل دستوری موجود در الگوی هلیدی - متیسن، که مبنای این پژوهش است، اضافه کرده‌اند و در بررسی عامل پیوندی و انواع آن، که در نمودار ۲-۹ (ibid: 541) آمده است، به دلیل وجود جزئیات زیاد تنها تا مرحله دوم این تقسیم‌بندی در بررسی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات استفاده شده است و از ذکر نام تقسیم‌بندی‌های ریزتر اجتناب شده است. بخش دیگر انسجام ناشی از همبستگی است که «پیوند بین گفتمان و موقعیتی است که گفتمان در آن رخ می‌دهد و یا به بافت گسترده‌تر فرهنگ اشاره دارد» (Young & Fitzgerald, 2006: 129).



نمودار ۲. سامانه انسجام در رویکرد هلیدی - متیسن

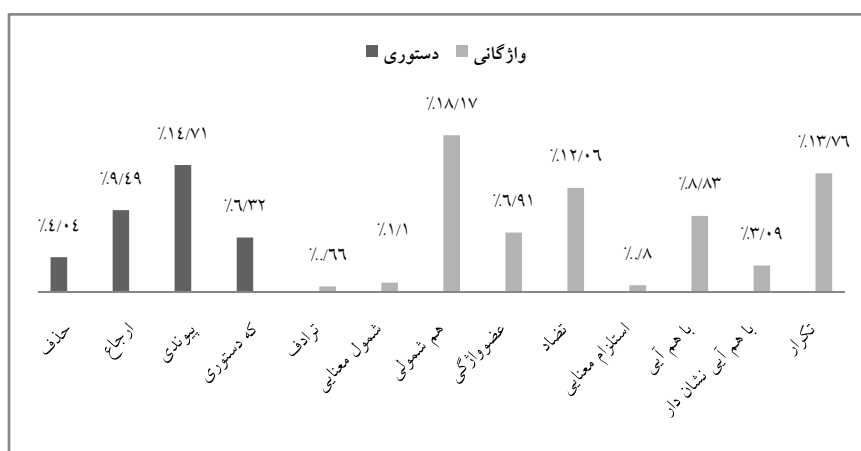
۳. روش کار

پژوهش پیکره - بنیاد حاضر دارای ماهیتی کیفی و نیز رویکردی کمی است. پیکره انتخاب شده کتاب کوچی است که مشتمل بر ۱۱ جلد و ۸۶۱۶ صفحه است. پس از بررسی تمامی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات موجود در مدخل‌های اصلی و فرعی، تنها آن دسته از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحاتی که مرتبط با زنان و حداقل متشکل از یک جمله بودند انتخاب شده‌اند. این تعداد شامل ۴۴۶ ضرب‌المثل و اصطلاح است. منظور از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات زنان، آن‌هایی است که دارای واژه‌های مرتبط با زنان هستند (مثل واژه «زن»، اصطلاحات و واژه‌های خویشاوندی مربوط به زنان مثل «خاله»، «عمه» و ...، اندام‌واژه‌های

زنان، اسامی خاص زنان، یا شغل‌واژه‌های زنان) یا مفهوم آن‌ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به زن اشاره دارد. پس از گردآوری ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مرتبط، تعداد واژه‌های تشکیل‌دهنده و تعداد عوامل پیوستگی موجود در آن‌ها محاسبه شده و، پس از محاسبه فراوانی عوامل مختلف پیوستگی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، داده‌های مورد نظر در چهار ستون (۱. ضرب‌المثل‌ها، ۲. تعداد عوامل پیوستگی، ۳. تعداد واژه‌ها، ۴. نسبت تعداد عوامل پیوستگی به تعداد واژه‌ها)، با استفاده از بسته نرم‌افزاری اس‌پی‌اس‌اس و به کارگیری آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل شده است.

۴. تحلیل داده‌ها و بحث

پس از استخراج ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مرتبط، عوامل مختلف پیوستگی و تعداد واژه‌ها در هر ضرب‌المثل و همبستگی بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه‌ها بررسی و تحلیل آماری شد. به منظور نمایش منطقی و مفید داده‌ها و چگونگی تحلیل، جدول‌ها و نمودارهای زیر ارائه می‌شوند:



نمودار ۳. توزیع فراوانی عوامل مختلف پیوستگی در کتاب کوچه

نمودار ۳ نشان‌دهنده توزیع فراوانی عوامل مختلف پیوستگی در فرهنگ کوچه است. محور افقی نمایانگر نوع عامل پیوستگی و محور عمودی نمایانگر فراوانی هر یک از آن‌هاست. در بررسی توزیع عوامل پیوستگی دستوری، «که» ۳۴/۵۸٪ از کل پیوستگی در این فرهنگ را به خود اختصاص داده است، ۴/۰۴٪ حذف، ۹/۴۹٪ ارجاع و ۱۴/۷۱٪ عامل

پیوندی وجود دارد و، در بررسی توزیع عوامل واژگانی که ۶۵/۴۱٪ از کل پیوستگی را در بر گرفته است، ۰/۶۶٪ مترادف، ۱/۱٪ شمول معنایی، ۱۸/۱۷٪ هم‌شمولی، ۶/۹۱٪ جزءواژگی، ۱۲/۰۶٪ تضاد، ۰/۸٪ استلزام معنایی، ۸/۸۳٪ باهم‌آیی، ۳/۰۹٪ باهم‌آیی نشان‌دار، و ۱۳/۷۶٪ تکرار وجود دارد. همان‌طور که در نمودار ملاحظه می‌شود، فراوان‌ترین عامل پیوستگی، هم‌شمولی (۱۸/۱۷٪) و کم‌ترین آن مربوط به مترادف (۰/۶۶٪) است. از آن‌جا که عوامل ارجاعی و پیوندی، خود، دارای زیرشاخه‌های متفاوتی هستند، فراوانی هر یک از زیرشاخه‌های این دو عامل نیز به صورت جداگانه و در قالب جدول‌های زیر نمایش داده شده است:

جدول ۱. توزیع فراوانی زیرشاخه‌های عامل پیوستگی ارجاعی در کتاب کوچه

کتاب کوچه			
۸/۱۶٪	شخصی	هم‌مرجع	ارجاع
۱/۳۲٪	اشاری		
۰	عام	مقایسه‌ای	
۰	خاص		

جدول ۱ نشان می‌دهد که در کتاب کوچه فقط ارجاع از نوع هم‌مرجع (co-reference) وجود دارد و فراوانی ارجاع مقایسه‌ای (comparative) در این فرهنگ صفر است. هم‌چنین در میان عوامل ارجاعی هم‌مرجع، ارجاع شخصی فراوانی بیش‌تری نسبت به ارجاع اشاری دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی زیرشاخه‌های عامل پیوستگی پیوندی در کتاب کوچه

کتاب کوچه			
۰	شفاف‌ساز		توضیحی
۰	بدلی		
۷/۵۷٪	افزودنی		گسترشی
۰/۹۵٪	ضدیتی		
۱/۳۹٪	دگرساز		
۰	کیفی		افزایشی
۰/۲۹٪	سببی	سببی - شرطی	
۳/۳۱٪	شرطی		
۰	مکانی	مکانی - زمانی	
۱/۱۷٪	زمانی		
۰	جوهری		

در جدول ۲، توزیع فراوانی زیرشاخه‌های مختلف عامل پیوندی نمایش داده شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، زیرشاخهٔ افزودنی بیش‌ترین فراوانی (۷/۵۷٪) و زیرشاخه‌های شفاف‌ساز، بدلی، مکانی، جوهری و کیفی، با میزان صفر، کم‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی ویژگی‌های کمی پیوستگی در کتاب کوچه

کتاب کوچه	NGD	NLD	NCD	NW	NC=0	NC=1	NC=2	NC=3	NC 3	Max of NC	Max of NW	Min of NC	Min of NW
فراوانی	۴۷۰	۶۷۷	۶۳۱۱	۴۰۵۳	۳۷	۶۵	۸۰	۶۵	۱۵۶	۱۸	۳۹	۰	۲
درصد	۷۵/۳۱	۱۳/۵۱	۶۵/۶۱	۱۰۰	۱۷/۷۱	۴/۵۱	۱۷/۹۳	۱۴/۵۷	۳۴/۹۷	-	-	-	-

جدول ۳ نمای کلی توزیع فراوانی پیوستگی و سایر ویژگی‌های کمی در کتاب کوچه را نشان می‌دهد. ابتدا علائم اختصاری جدول معرفی می‌شوند: (NGD = تعداد عوامل پیوستگی دستوری، NLD = تعداد عوامل پیوستگی واژگانی، NCD = تعداد عوامل پیوستگی، NW = تعداد کل واژه‌ها، NC = تعداد ضرب‌المثل‌های دارای پیوستگی صفر، NC=1 تعداد ضرب‌المثل‌های دارای پیوستگی ۱ و همین‌طور NC=2, NC=3 و NC=3 هر یک نشان‌دهندهٔ تعداد پیوستگی‌اند. چهار ستون آخر نیز نمایان‌گر بیش‌ترین و کم‌ترین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه در ضرب‌المثل‌های موجود در این فرهنگ می‌باشند. در این جدول، مقولهٔ پیوستگی بر حسب تعداد عوامل آن در هر ضرب‌المثل به چهار دسته (پیوستگی صفر، یک، دو، سه و بزرگ‌تر از سه) تقسیم شده است. در توزیع این دسته‌بندی، ۱۸/۸۳٪ پیوستگی صفر، پیوستگی یک و سه به صورت برابر هر یک ۱۴/۵۷٪، ۱۷/۹۳٪ پیوستگی دو، و ۳۴/۹۷٪ پیوستگی بزرگ‌تر از سه وجود دارد که، در مجموع، حاکی از بیش‌تر بودن میزان همبستگی نسبت به پیوستگی در این فرهنگ است. به عبارتی، گفتمان در این فرهنگ (کتاب کوچه) از نوع «کمینه» است که مختص گفتمان ضرب‌المثلی است.

منظور از «گفتمان کمینه» گفتمانی است که دارای کمترین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه مورد نیاز برای تشکیل متن و گفتمان است و عامل همبستگی در آن پررنگ‌تر از عامل پیوستگی است و هم‌چنین دارای ویژگی [±پیوسته] و [+همبسته] است. بر اساس تحلیل داده‌ها، همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، در این فرهنگ، فراوانی کل عامل پیوستگی واژگانی (۶۵/۴۱٪) بیش‌تر از فراوانی عامل پیوستگی دستوری (۳۴/۵۸٪) است. هم‌چنین به منظور امکان مقایسه و درک بهتر از رابطه بین تعداد واژه‌ها و تعداد عوامل پیوستگی، تعداد کل واژه‌های موجود در پیکره و کم‌ترین و بیش‌ترین واژه‌ها در هر ضرب‌المثل آورده شده است که نشان می‌دهد کوتاه‌ترین ضرب‌المثل در این فرهنگ تنها دارای سه واژه، و طولانی‌ترین آن ۳۹ واژه دارد. این اطلاعات در باب واژه‌ها نیز خود نشان می‌دهد که گفتمان در این فرهنگ فشرده و همبسته است. تحلیل دقیق‌تر این فرض با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون انجام شده است که نتیجه آن در قالب جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین تعداد پیوستگی و تعداد واژه‌ها در کتاب کوچک

متغیر	تعداد	مقدار همبستگی	سطح معناداری
تعداد پیوستگی	۴۴۶	۱	۰
تعداد واژه	۴۴۶	۰/۷۷	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، در کتاب کوچک، همبستگی پیرسون بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه ۰/۷۷ است که این مقدار به لحاظ آماری معنادار است ($p < ۰/۰۱$). بدین معنی که، در این فرهنگ، بین تعداد پیوستگی و تعداد واژه رابطه معناداری وجود دارد. گرچه همبستگی بین تعداد واژه و تعداد عوامل پیوستگی معنادار است و پیش‌بینی می‌شود که، با افزایش تعداد واژه، تعداد عوامل پیوستگی نیز افزایش یابد، فقط ۶۱٪ از تغییرات تعداد پیوستگی و تعداد واژه در کتاب کوچک به صورت هم‌زمان اتفاق می‌افتد و ۳۹٪ از تغییرات در این متغیرها جداگانه اتفاق می‌افتد. به عبارتی، میزان این ضریب چندان بالا نیست و نزدیک به ۴۰٪ از تغییرات این دو متغیر نسبت به همدیگر قابل پیش‌بینی نیست. از طرفی دیگر از میان ۴۴۶ ضرب‌المثل و اصطلاح مورد بررسی در کوچک، تنها در ۴۵٪ از آن‌ها، تعداد پیوستگی بالاتر از ۳ است و در ۶۵٪ از این فرهنگ پیوستگی بسیار پایین یعنی بین ۰ تا ۳ است ($۳ \leq$ تعداد پیوستگی ≤ ۰). بر این اساس و هم‌چنین بر اساس تمایز میان پیوستگی و همبستگی که در بخش ۲ (پیشینه پژوهش) نیز به آن اشاره

شد، می‌توان گفت که گفتمان ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات زنان در کتاب کوچکه بیش‌تر همبسته است تا پیوسته و به سمت کمینگی گرایش دارد.

۵. نمونه‌ها

در جدول زیر، نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مورد بررسی و نحوه تحلیل آن‌ها ارائه می‌گردد. روش تحلیل و استخراج هر یک از عوامل موجود در جدول ۵ به این صورت بوده است که، بر اساس تعریف هلیدی - متیسن، از هر یک از این عوامل، تعداد عوامل پیوستگی اعم از واژگانی یا دستوری در تمامی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات کتاب کوچکه (پیکره مورد بررسی)، استخراج و محاسبه شده است. برای بازنمایی دقیق‌تر عامل انسجام، تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه‌ها و نسبت این دو به یکدیگر نیز محاسبه شده است.

جدول ۵. نمونه‌های استخراج شده از کتاب کوچکه

ضرب‌المثل	تعداد عوامل پیوستگی	تعداد واژه	تعداد عوامل پیوستگی / تعداد واژه
۱. کوچه نرفتن بی‌بی از بی‌چادری است. در این ضرب‌المثل، هیچ‌کدام از عوامل پیوستگی واژگانی یا دستوری مورد نظر هلیدی - متیسن وجود ندارد بلکه این عامل همبستگی است که موجب انسجام در این ضرب‌المثل و درک آن توسط مخاطب فارسی‌زبان شده است نه پیوستگی.	۰	۵	۰
۲. زن تا نژاید بیگانه است. در این ضرب‌المثل، زایدن مستلزم این است که کننده کار زن (مؤنث) باشد، بنابراین رابطه معنایی، استلزام معنایی، که خود از عوامل پیوستگی واژگانی است، در این ضرب‌المثل وجود دارد. همچنین تا از پیوندگرهای دستوری و از نوع افزایشی زمانی است و از عوامل پیوستگی دستوری محسوب می‌شود.	۲ استلزام معنایی=۱ افزایشی زمانی=۱	۵	۰/۴

۰/۴۱	۱۲	۵ تضاد=۱ حذف=۱ که دستوری=۱ ارجاع شخصی=۲	۳. شلوار مرد که دوتا شد، خونه‌اش تنگ همیشه، زنش زشت. در این ضرب‌المثل، بین <u>زن</u> و <u>مرد</u> رابطه <u>تضاد</u> وجود دارد و، بعد از واژه زشت، فعل <u>میشه</u> به قرینه فعل فبلی <u>حذف</u> شده است. <u>که</u> یک پیوندگر دستوری است و <u>ش</u> ، بعد از واژه‌های «خونه» و «زن»، ارجاع شخصی است و به مرد اشاره دارد. بنابراین در این ضرب‌المثل چهار عامل پیوستگی شامل: تضاد، حذف، «که» دستوری و ارجاع شخصی (۲ مورد) وجود دارد. در سایر ضرب‌المثل‌های موجود در این جدول، تمامی عوامل پیوستگی به همین شکل استخراج و محاسبه شده‌اند که برای جلوگیری از تکرار و اطناب، این توضیحات در زیر سایر ضرب‌المثل‌های این جدول آورده نشده است.
۰/۲	۵	۱ گسترشی افزودنی=۱	۴. بکشین و خوشگلم کنین
۰/۲۵	۸	۲ هم‌شمولی=۱ افزایشی شرطی=۱	۵. اگر تو مادری، من عمه هستم
۰/۴	۵	۲ تضاد=۲	۶. روز کلفته، شب خانم
۰/۵	۸	۴ باهم‌آیی=۳ جزء‌واژگی=۱	۷. عروس بی‌جهاز، روزه بی‌نماز، دعای بی‌نیاز، قورمه بی‌پیاز.
۱/۲۵	۴	۵ تضاد=۱ شمول معنایی=۱	۸. پسر نعمت دختر رحمت

		هم شمولی=۱ حذف=۲	
۰/۴۵	۱۱	۵ که دستوری=۱ ارجاع شخصی=۲ هم شمولی=۱ باهم آیی=۱	۹. عروسی را که ننه‌اش تعریف کند واسه آقادییش خوب است
۰/۳۷	۸	۳ جزء واژگی=۱ تضاد=۱ هم شمولی=۱	۱۰. کوکو به روغن پف می‌کند، زن به شوهر گل می‌کند
۰	۵	۰	۱۱. دختر حکم پل را دارد
۰/۴۲	۷	۳ تضاد=۱ هم شمولی=۱ ارجاع شخصی=۱	۱۲. زن جلب پیش خودش مرد است
۰/۳۱	۱۶	۵ تکرار=۳ هم شمولی=۱ حذف=۱	۱۳. رخت دو تا هوو را تو یک تشت می‌شود شست، رخت دو تا جاری را نمی‌شود
۰/۵۵	۹	۵ تکرار=۲ تضاد=۱ هم شمولی=۱ که دستوری=۱	۱۴. اصلم پدر است که مادرم رهگذر است
۰/۳۳	۶	۲ هم شمولی=۱ باهم آیی=۱	۱۵. از مجبوری به زن‌بابا میگه خاله‌حوری

همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، کم‌ترین تعداد پیوستگی صفر است اما بیش‌ترین تعداد پیوستگی مقدار مشخصی نداشته و بسته به تعداد واژه‌ها و نوع متن ممکن است متفاوت باشد.

۶. نتیجه گیری

پس از استخراج داده‌ها، بررسی‌های کمی - کیفی و تحلیل آماری آن‌ها، نتایج زیر حاصل شد: انسجام در کتاب کوچه شامل همبستگی و پیوستگی است که از هر دو نوع پیوستگی (واژگانی و دستوری) بهره می‌گیرد اما نحوه توزیع این عوامل متفاوت است. در توزیع عوامل مختلف پیوستگی، ۶۵/۴۱٪ پیوستگی واژگانی وجود دارد که بسیار بالاتر از پیوستگی دستوری با فراوانی ۳۴/۵۸٪ است. فراوانی هر یک از عوامل تشکیل دهنده پیوستگی واژگانی به شرح زیر است: ۱/۰۱٪ مترادف، ۱/۶۸٪ شمول معنایی، ۲۷/۷۸٪ هم‌شمولی، ۱۰/۵۷٪ جزءواژگی و ۱۸/۴۴٪ تضاد در کوچه وجود دارد. در توزیع عوامل تشکیل دهنده پیوستگی دستوری نیز ۱۱/۷٪ عامل حذف، ۲۷/۴۴٪ ارجاع و ۴۲/۵۵٪ عامل پیوندی وجود دارد.

در میان عوامل واژگانی، بالاترین میزان فراوانی به عامل هم‌شمولی و کم‌ترین آن به عامل مترادف اختصاص یافته و در میان عوامل دستوری نیز بالاترین میزان فراوانی به عامل پیوندی و کم‌ترین آن به عامل حذف مربوط می‌شود.

در خصوص توزیع همبستگی نیز باید گفت، در ۱۷/۹۳٪ از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات کتاب کوچه پیوستگی صفر است و هیچ‌کدام از عوامل انسجام پیوسته مورد نظر هلیدی - متیسن وجود ندارد که، در این موارد، عامل ایجاد انسجام کارکردی و مربوط به عامل همبستگی است و نه پیوستگی. در ۱۴/۵۷٪ از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات این فرهنگ، پیوستگی بسیار ضعیف (پیوستگی=۱) و همبستگی خیلی بالا، در ۱۷/۹۳٪ همبستگی بالا و پیوستگی ضعیف (پیوستگی=۲)، در ۱۴/۵۷٪ همبستگی و پیوستگی متوسط (پیوستگی=۳)، و در ۳۴/۹۷٪ علاوه بر وجود همبستگی، پیوستگی بالایی (۳ > پیوستگی) وجود دارد که در مجموع می‌توان گفت سهم همبستگی در این فرهنگ بیش‌تر از پیوستگی است.

آزمون همبستگی پیرسون بین تعداد عوامل پیوستگی و تعداد واژه‌ها نمایان‌گر این است که رابطه بین این دو متغیر معنادار است (p < ۰/۰۱) و میزان ضریب همبستگی پیرسون ۰/۷۷ است. گرچه این رابطه معنادار است اما رابطه این دو متغیر فقط تا ۶۰٪ قابل پیش‌بینی است و تا حدود ۴۰٪ رابطه آن‌ها به صورت خطی و قابل پیش‌بینی نیست. توضیح این‌که در ۶۵٪ از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات این فرهنگ، ۳ ≤ تعداد پیوستگی ≤ ۰ است و تنها در ۴۵٪، تعداد عوامل پیوستگی بیش‌تر از ۳ است و نسبت فراوانی تعداد کل پیوستگی به تعداد واژه‌ها ۰/۳۳٪ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این فرهنگ و در نتیجه گفتمان ضرب‌المثلی در آن به سمت کمینگی گرایش دارد و این گونه از سایر گفتمان‌ها متمایز

می‌گردد. نتیجه به دست آمده مؤید نظریه زاهدی و ایمانی در باب «گفتمان کمینه» بوده که دارای ویژگی [± پیوسته] و [+ همبسته] است. بدین ترتیب انسجام در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات زنان در کتاب کوچک، که متشکل از دو عامل همبستگی و پیوستگی است، با استفاده از رویکرد هلیدی - متیسن و بر اساس ویژگی «گفتمان کمینه» که در بخش ۴ (تحلیل داده‌ها و بحث) معرفی و تعریف شد، تبیین می‌گردد.

ضمیمه

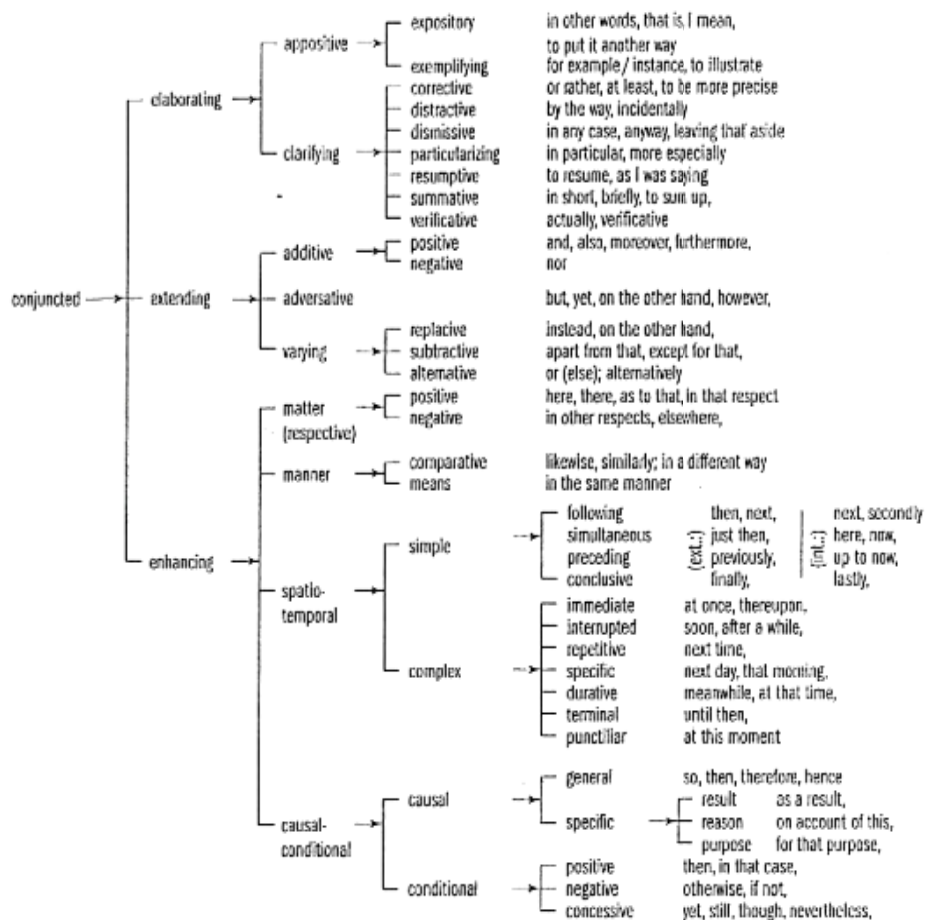
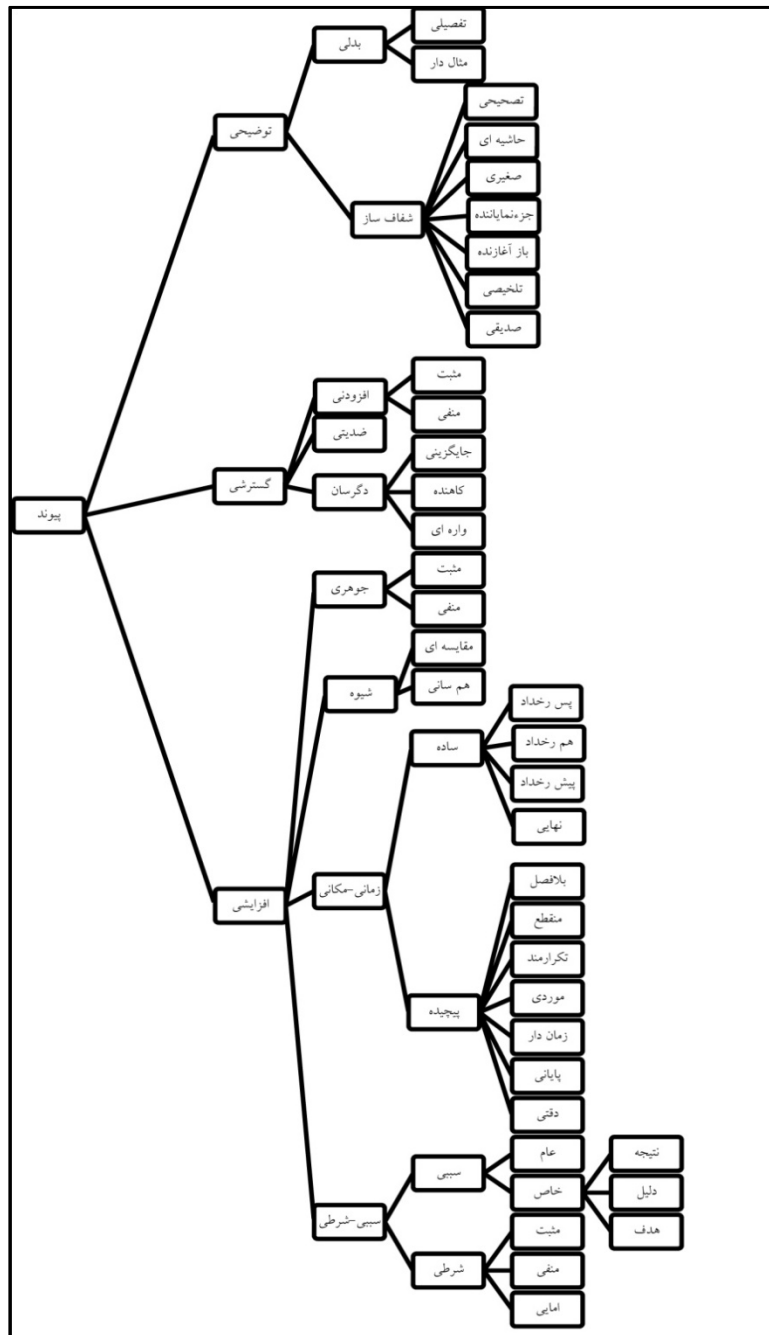


Diagram 4 - system of conjunction in Halliday-Mattheissen's Approach

(هلیدی - متیسن، ۲۰۰۴: ۵۴۱، نمودار ۲-۹)



نمودار ۵. سامانه عامل پیوندی هلیدی - متینسن (ترجمه فارسی نمودار ۴)

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله در زمان حیات آقای دکتر زاهدی و با راهنمایی ایشان تهیه شد، اما متأسفانه مهلت نشد تا نتیجه کاری را که تهیه شده بود مشاهده فرمایند. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.
۲. انسجام در این پژوهش در مفهوم عام آن که متشکل از پیوستگی و همبستگی است به کار می‌رود و در عنوان مقاله منظور از cohesion ترکیب coherence و cohesion است که معادل واژه انسجام در فارسی است.
۳. در اصطلاح Systemic Functional Linguistics (SFL) استفاده از واژه «نظام‌مند» برای systemic چندان مطلوب نیست، زیرا «نظام‌مند» ترجمه مناسبی برای واژه systematic است. از این رو معادل «نظام‌وار» پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آریان‌فر، سیمین (۱۳۸۵). «بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های فارسی بر اساس طرح‌واره‌های تصویری در چهارچوب نظریه معنی‌شناسی‌شناختی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س).
- برزن، غلامرضا (۱۳۸۵). «بررسی مقایسه‌ای ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷). «متن، وانموده و تحلیل گفتمان ۲»، گفتمان، س ۱، ش ۱.
- سونو، راگساکول (۱۳۸۴). «مقایسه ضرب‌المثل‌های رایج در فارسی معاصر با ضرب‌المثل‌های زبان تایلندی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- شاملو، احمد (۱۳۸۱). کتاب کوچک: جامع لغات و اصطلاحات فارسی، ۱۱ ج، تهران: مازیار.
- شاملو، ناهید (۱۳۸۷). «بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا»، پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، س ۶، ش ۴.
- نصیری خوانساری، فاطمه (۱۳۸۸). «بررسی تغییر شخص دستوری کلام (النفات) در قرآن مجید از دیدگاه تحلیل گفتمان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی خلیلی، تهران: نشر نی.

Berzalanovich, I. (2008). "Lexical cohesion and the organization of discourse", first year report of PhD thesis, University of Groningen.

Brown, G. and G. Yule (1983). *Discourse Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.

Carrell, P.L. (1982). "Cohesion Is Not Coherence", *TESOL Quarterly*, Vol. 16, No. 4.

Contento, S. (2000) "Gestural Cohesion in Discourse", *Psycholinguistics on the threshold of the year 2000*.

- Dontchea-Navratilova, O. & R. Povolna (2009). *Coherence and Cohesion in Spoken and written Discourse*, Cambridge Scholars Publishing.
- Dooley, R. A. and S. H. Levinson (2001). *Analysing Discourse: A manual of basic concepts*, Dallas: SIL International.
- Halliday, M. A. k. and Ch. Matthiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*, London: Arnold.
- Halliday, M. and R. Hasan (1985). *Cohesion in English*, London: Longman.
- The Oxford Advanced Learner's Dictionary* (2001). Oxford: Oxford University press.
- Jasa, U. (2009). "Aspects of Discourse Cohesion in Lahu Si Folktales", M.A thesis in Linguistics, Payap University, Faculty of Arts.
- Taboada, M.T. (2004). *Building coherence and cohesion*, Amsterdam: Benjamins.
- The Oxford English Dictionary* (1978). Vol.e 8, Oxford: Clarendon press.
- Widdowson, H. G. (1978). *Teaching language as communication*, Oxford: Oxford University Press.
- Yeh, C. (2004). "The Relationship of Cohesion and Coherence: A contrastive study of English and Chinese.", *Journal of Language and Linguistics*, Vol. 3, No. 2.
- Young & Fitzgerald (2006). *The Power of Language: How discourse influences society*, London: Equinox.